

تأثیر تمرکز مالکیت بر رابطه حق الزحمه غیرعادی حسابرِس و ریسک ورشکستگی

دکتر مجتبی کریمی

استادیار گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
tabakarimi622@gmail.com

غزاله سیفی

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
ghazalehse@yahoo.com

چکیده

هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی سنگینی که شرکت‌های ورشکسته به سهامداران خود تحمیل می‌کنند موجب انگیزش محققان در ارائه مطالعات متعددی برای توجه به ورشکستگی شده است. هدف این تحقیق بررسی تأثیر تمرکز مالکیت بر رابطه حق الزحمه غیرعادی حسابرِس و ریسک ورشکستگی است. پژوهش انجام‌شده از نظر نوع هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی است و روش پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی علت و معلولی هست. انجام پژوهش در چارچوب استدلال‌ات قیاسی - استقرایی صورت گرفته و برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها از تحلیل پانلی کمک گرفته شده است. جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و با استفاده از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک، ۱۵۰ شرکت به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده در دوره‌ی زمانی ۹ ساله بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ مورد تحقیق قرار گرفتند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد بین حق الزحمه غیرعادی حسابرِس و ریسک ورشکستگی، رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛ اما این رابطه معنی‌دار نیست؛ همچنین تمرکز مالکیت بر رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرِس و ریسک ورشکستگی، تأثیرگذار است و موجب تقویت این رابطه معکوس می‌شود.

واژگان کلیدی: تمرکز مالکیت، حق الزحمه غیرعادی حسابرِس و ریسک ورشکستگی.

مقدمه

ورشکستگی^۱ و پیش‌بینی ورشکستگی هم در تحقیقات دانشگاهی و هم از نظر تحولات مربوط به اقتصاد جهانی پس از وقوع رسوایی‌های مالی ۲۰۰۸ یک موضوع بسیار مهم در سراسر جهان است (بابوتا میشو و همکاران^۲، ۲۰۲۰). هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی سنگینی که شرکت‌های ورشکسته به سهامداران خود تحمیل می‌کنند موجب انگیزش محققان در ارائه مطالعات متعددی برای توجه به ورشکستگی شده است (هاشمی و حیدرپور، ۱۴۰۰). یکی از عواملی که می‌تواند کیفیت حسابرِس و به تبع آن ریسک ورشکستگی را تحت تأثیر قرار دهد، حق الزحمه حسابرِس است. حق الزحمه حسابرِس، یکی از انواع هزینه‌های نمایندگی شرکت‌ها است که با هدف کنترل و نظارت بر عملکرد نماینده توسط سهامداران تحمل می‌شود (عطایی شریف و همکاران، ۱۴۰۰). بخش مهمی از تحقیقات مربوط به اهمیت حق الزحمه حسابرِس به خاطر پیوند با افزایش کیفیت گزارش‌گری مالی و کیفیت حسابرِس و در نتیجه افزایش اعتماد بازار سرمایه است. تحقیقات در این باره نشان می‌دهد حق الزحمه حسابرِس در برنامه‌ریزی و اجرای مناسب و باکیفیت کار حسابرِس مالی مؤثر است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۸). با این حال، اگر حق الزحمه حسابرِس نتواند مشوق‌های مؤثری را فراهم کند،

¹ Bankruptcy

² Bãrbut,ã-Misu

یا حتی هزینه‌های حسابرسی را پوشش دهد، حسابرسی مستقل نمی‌تواند سیگنال‌های مناسبی را به بازار ارسال کند، در نتیجه به منافع حیاتی مردم آسیب می‌رساند (یه^۱، ۲۰۲۰).

اما با توجه به اینکه حق الزحمه عادی حسابرسان، نمی‌تواند همیشه معیاری مناسب از کیفیت حسابرسی باشد، مفهوم حق الزحمه غیرعادی^۲ مورد توجه قرار گرفته است. دیفوند و ژانگ^۳ (۲۰۱۴) معتقدند که در عمل، تفسیر انحراف حق الزحمه حسابرسی مشکل ساز است؛ به این دلیل که حق الزحمه بیشتر می‌تواند نشانگر تلاش‌های اضافی آتی حسابرسان باشد که موجب افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود؛ از طرفی دیگر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی می‌تواند نمایانگر صرف ریسک بیشتر یا واکنش حسابرسان بر مقابل ریسک‌ها باشد که با کیفیت اندک گزارشگری مالی در ارتباط است. البته کینی و لیبی (۲۰۰۲) معتقدند که حق الزحمه غیرعادی حسابرسان در مقایسه با حق الزحمه‌های غیرعادی به صورت بهتری می‌تواند در قالب دریافت رشوه‌های اقتصادی یا خدمات حسابرسی یا وابستگی اقتصادی حسابرسان به صاحبکار صورت پذیرد؛ که به شیوه دقیق‌تر حق الزحمه غیرعادی حسابرسان را می‌توان اقدامی جهت دریافت رشوه و ارائه گزارش مطلوب از سوی حسابرسان در جهت خواسته‌های مدیریت واحد مورد رسیدگی تلقی کرد (واعظ و تیموری، ۱۳۹۳).

اگرچه رابطه حق الزحمه غیرعادی حسابرسان با ریسک ورشکستگی مورد بررسی قرار نگرفته است؛ اما نتایج تحقیقات (ژائو، ۲۰۲۱) نشان می‌دهد اطلاعات غیرشفاف شرکت ناشی از پنهان کردن اطلاعات نامطلوب توسط مدیریت، دلیل اصلی سقوط قیمت سهام است و کیفیت اطلاعات حسابداری شرکتی که در آن سقوط قیمت سهام رخ داده است پایین است و همچنین شفافیت گزارش‌های مالی آن ضعیف است. اعتقاد بر این است که سطح حق الزحمه حسابرسی نشان دهنده کیفیت حسابرسی است. به منظور بهبود کیفیت حسابرسی، معمولاً مؤسسات حسابرسی ناچار به افزایش زمان حسابرسی و سایر روش‌ها برای تقویت فرآیند حسابرسی هستند. در این حالت امکان دارد حسابرسان کیفیت حسابرسی را با دریافت حق الزحمه حسابرسی که به طور غیرعادی بالاتر از حد معمول است تضمین می‌کنند و در نتیجه خطر سقوط قیمت سهام را کاهش می‌دهند (ژائو^۴، ۲۰۲۱). همچنین ساختار مالکیت شرکت‌ها در این زمینه می‌تواند مؤثر باشد. تمرکز مالکیت می‌تواند با تأثیر مستقیم بر مدیریت برای محافظت از منافع سهامداران، مشکل نمایندگی بین مدیریت و مالکیت را کاهش دهد (الجنادی^۵، ۲۰۲۱). در این رابطه نتایج تحقیقات کیم (۲۰۱۹) نشان می‌دهد تمرکز مالکیت^۶ به عنوان یک مکانیسم حاکمیت شرکتی می‌تواند نقش جایگزینی برای کیفیت حاکمیت ضعیف داشته باشد و در نتیجه موجب کاهش ریسک ورشکستگی شرکت‌ها شود. بنابراین در این تحقیق به بررسی این سؤالات پرداخته می‌شود که آیا بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسان و ریسک ورشکستگی رابطه معناداری وجود دارد؟ و آیا تمرکز مالکیت بر رابطه حق الزحمه غیرعادی حسابرسان و ریسک ورشکستگی تأثیرگذار است یا خیر؟

پیشینه تحقیق

ژائو (۲۰۲۱) رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسان و ریسک سقوط قیمت سهام را در بازارهای شانگهای و شژن در سال مالی ۲۰۱۷-۲۰۰۲ بررسی کردند. نتایج آنها نشان داده است که هر اندازه حق الزحمه حسابرسی توسط حسابرسان بالاتر باشد، ریسک سقوط قیمت سهام شرکت کمتر می‌شود.

¹ Ye

² Abnormal Audit Fees

³ DeFond & Zhang

⁴ Zhao

⁵ Al-Janadi

⁶ concentrated ownership

الرشیدی و همکاران^۱ (۲۰۲۱) در تحقیقی با عنوان حق الزحمه حسابرسی، حق الزحمه غیر حسابرسی و دسترسی به منابع مالی در هند، نشان می‌دهند که هزینه‌های حسابرسی عادی و غیر حسابرسی با محدودیت‌های مالی شرکت‌ها ارتباط منفی دارند. سرمایه‌گذاران، حق الزحمه حسابرسی و غیر حسابرسی را سیگنال‌هایی از حسابرسی‌های با کیفیت می‌دانند که اعتبار صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد و به نوبه خود تأثیر مثبتی بر دسترسی شرکت‌ها به منابع مالی دارد.

ماتوزا و همکاران^۲ (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت حسابرسی، تأثیر زمینه تجاری بر اولویت‌های حسابرسان، نشان دادند شرکت‌هایی که با مشکلات مالی جدی مواجه هستند، بیشتر از شرکت‌های سالم به مدیریت سود می‌پردازند تا عملکرد ضعیف را پنهان کنند. در این زمینه‌ها، مؤسسات حسابرسی ممکن است آزمون‌های اساسی را افزایش دهند که باید اقلام تعهدی اختیاری را محدود کند و همچنین حق بیمه‌های ریسک را دریافت کند که هر دو منجر به افزایش حق الزحمه حسابرسی می‌شود. با این حال، اجزای مختلف حق الزحمه حسابرسی، یعنی حق بیمه برای تلاش‌های حسابرسان یا حق بیمه ریسک، تأثیر متضادی بر کیفیت حسابرسی دارند.

کیم^۳ (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان تمرکز مالکیت و کیفیت نهادی و تأثیر آنها بر ریسک ورشکستگی با استفاده از شاخص‌های حاکمیت جهانی و داده‌های نظرسنجی سازمانی از بانک جهانی در ۴۱ کشور، نشان می‌دهند که تمرکز مالکیت و کیفیت نهادی ریسک ورشکستگی را کاهش می‌دهد. این نتیجه نشان می‌دهد که تمرکز مالکیت به‌عنوان یک مکانیسم حاکمیت شرکتی می‌تواند نقش جایگزینی برای کیفیت حاکمیت ضعیف داشته باشد و چنین نقشی در کشورهای با کیفیت نهادی ضعیف‌تر قابل توجه‌تر است.

چن و همکاران^۴ (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان حق الزحمه حسابرسی، ریسک حسابرسی درک شده و بحران مالی ۲۰۰۸، نشان می‌دهند که هزینه‌های حسابرسی در نتیجه ریسک‌های کلان سیستمی ناشی از بحران افزایش می‌یابد. همچنین نشان می‌دهد که بین حق الزحمه حسابرسی و تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه مثبت معناداری وجود دارد که نشان‌دهنده عوامل ریسک مرتبط با کیفیت ضعیف گزارشگری مالی و کیفیت ضعیف حسابرسی است.

ایمنی و دریایی (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان حق الزحمه حسابرسی: شواهدی بیشتر از نقش اهرم‌های بدهی عملیاتی و مالی به این نتیجه رسیدند که بین اهرم کل بدهی، اهرم مالی و اهرم عملیاتی برآوردی با حق الزحمه حسابرسی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما بین تغییر در اهرم‌های بدهی و تغییر در حق الزحمه حسابرسی، رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود. بر اساس نتایج آزمون‌های بیشتر، افزایش اهرم کل بدهی و اهرم مالی در شرکت‌های کوچک و بزرگ، بر افزایش حق الزحمه حسابرسی تأثیر می‌گذارد و زمانی که اهرم مالی در شرایط بحران مالی بالا باشد، حسابرسان با دریافت حق الزحمه بیشتر، با ریسک حسابرسی آن برخورد می‌کنند. همچنین بین اهرم کل بدهی، اهرم مالی و اهرم عملیاتی برآوردی با حق الزحمه غیرعادی حسابرسی نیز، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

عطایی شریف و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان اثر تعاملی توانایی مدیریت و درماندگی مالی بر حق الزحمه حسابرسی در چارچوب نظریه نمایندگی نشان می‌دهند که توانایی مدیریت دارای اثری کاهنده بر حق الزحمه حسابرسی می‌باشد. همچنین این ارتباط، تحت تأثیر درماندگی مالی شرکت قرار گرفته و کاهش می‌یابد. با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که توانایی مدیریت موجب کاهش دستکاری اطلاعات حسابداری و کاهش حجم رسیدگی‌های حسابرسان مستقل می‌شود که این موضوع موجب کاهش حق الزحمه حسابرسان مستقل می‌شود.

¹ Alrashidi

² Matozza et al

³ Kim

⁴ Chen

با این وجود توانایی مدیریت در محیط‌های همراه با بحران مالی، در راستای کاهش حق الزحمه حسابرسی از اثربخشی کافی برخوردار نیست.

چابک و مشکی میاوقی (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان بررسی اثر مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت و ساختار سرمایه بر روی ریسک ورشکستگی نشان دادند که مالکیت نهادی تأثیر مثبت و معناداری بر ریسک ورشکستگی شرکت دارد، لذا با افزایش مالکیت نهادی، ریسک ورشکستگی شرکت افزایش می‌یابد. تمرکز مالکیت تأثیر منفی و معناداری بر ریسک ورشکستگی شرکت دارد، لذا با افزایش تمرکز مالکیت، ریسک ورشکستگی شرکت کاهش می‌یابد. ساختار سرمایه تأثیر مثبت و معناداری بر ریسک ورشکستگی شرکت دارد، لذا با افزایش بدهی در ساختار سرمایه شرکت، ریسک ورشکستگی شرکت افزایش می‌یابد.

ذوالفقاری (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان تأثیر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی بر کیفیت افشا گزارشگری مالی و ارزش شرکت، به این نتیجه رسید که حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی بر کیفیت سود تأثیر معکوس و معنی‌داری دارد. همچنین نتایج نشان داد حق الزحمه غیرعادی حسابرسی بر رتبه گزارشگری مالی و ارزش شرکت تأثیر مستقیم و معنی‌داری دارد.

فخاری و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی پایداری و جهش در حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. بر اساس شواهد حاصل، بین جهش در حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ همچنین بین میانگین بلندمدت (پایداری) حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی دوره بعد نیز رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

چارچوب نظری و فرضیات تحقیق

حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و ریسک ورشکستگی

پیش‌بینی ورشکستگی، مقوله مهمی برای موفقیت در اقتصاد است. چرایی این اهمیت به این دلیل است که درماندگی مالی و ورشکستگی، هزینه‌های زیادی به همراه دارد و صدمات جبران‌ناپذیری را به اقتصاد یک کشور وارد می‌کند (برگ بید و همکاران، ۱۴۰۰). به‌طور کلی ورشکستگی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن شرکت بدهکار قادر به بازپرداخت بدهی‌های خود نمی‌شود و می‌توان آن را پیامد ناتوانی شرکت در بقای رقابت در بازار دانست که به‌صورت از دست دادن شغل، از بین رفتن دارایی‌ها و بهره‌وری پایین منعکس می‌شود. ریسک ورشکستگی یا ریسک ورشکستگی نشان دهنده این احتمال است که یک شرکت نتواند به تعهدات بدهی خود عمل کند، به ترتیب احتمال ورشکستگی یک شرکت در چند سال آینده. ارزیابی ریسک ورشکستگی به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران در اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری سهام یا اوراق قرضه، اما همچنین برای مدیران در تصمیم‌گیری مالی در زمینه تأمین مالی، سرمایه‌گذاری و سیاست توزیع مهم است (التمن^۱، ۲۰۱۷).

همچنین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی عبارت است از تفاوت بین حق الزحمه واقعی حسابرسی (حق الزحمه پرداخت شده جهت حسابرسی صورت‌های مالی) و سطح عادی از حق الزحمه حسابرسی که انتظار پرداخت آن را دارند (واعظ و تیموری، ۱۳۹۳). مفهوم حق الزحمه حسابرسی غیرعادی به مقداری اشاره دارد که در آن حق الزحمه حسابرسی دریافت شده توسط حسابرسان خارجی از محدوده نرمال و/یا سطح حق الزحمه‌های مورد انتظار قابل دریافت برای یک تکلیف کار خاص فراتر می‌رود (مونی امینا و جوهره^۲، ۲۰۲۲).

¹ Altman et al

² Monye-Emina and Jeroh

همان طور که گفته شد رابطه حق الزحمه غیرعادی حسابرس با ریسک ورشکستگی به دلیل، تأثیرپذیری کیفیت حسابرسی از حق الزحمه غیرعادی است. عموماً اعتقاد بر این است که حق الزحمه حسابرسی عمدتاً تحت تأثیر تلاش حسابرسان، خطرات دادرسی، قدرت چانه زنی حسابرسان و سایر عوامل دیگر است. حسابرسی یک سرویس احراز هویت مستقل است. مؤسسات حسابداری با توجه به هزینه‌ها و ریسک‌های حسابرسی خود، حق الزحمه حسابرسی را در محدوده نرمال دریافت می‌کنند. در یک محیط کاملاً رقابتی، واریانس حق الزحمه حسابرسی عمدتاً منعکس کننده تفاوت بین هزینه تلاش حسابرس و ریسک خاص مشتری است؛ بنابراین، هر چه تلاش حسابرس بیشتر باشد، هزینه‌های حسابرسی بیشتر خواهد داشت. به همین ترتیب، هرچه ریسک مشتریان بیشتر باشد، احتمال شکست حسابرسی بیشتر می‌شود و احتمال شکایت در آینده بیشتر می‌شود، بنابراین برای جبران خسارت دعوی در آینده، حق الزحمه حسابرسی بالاتری مورد نیاز است. با این حال، حق الزحمه حسابرسی نیز نتیجه چانه زنی بین طرف‌های حسابرسی است (ژئو و همکاران^۱، ۲۰۲۲). در این زمینه دو جریان کاملاً متمایز وجود دارد. یک جریان از ادبیات تحقیقی گزارش می‌دهد که حق الزحمه حسابرسی غیرعادی بالا با عدم واکنش حسابرس در مدیریت سود صاحبکار مرتبط است و نشان می‌دهد که حق الزحمه حسابرسی غیرعادی به منزله رانت‌های اقتصادی است که استقلال حسابرس را مختل می‌کند و منجر به کیفیت حسابرسی پایین می‌شود (آستانا و بون^۲، ۲۰۱۲) جریان دوم مانند مطالعات (بلانکلی و همکاران^۳، ۲۰۱۲؛ اشلمن و گو^۴، ۲۰۱۴) نشان می‌دهد که حق الزحمه حسابرسی غیرعادی با کیفیت بالاتر حسابرسی مرتبط است و نشان می‌دهد که حق الزحمه حسابرسی غیرعادی ممکن است نشان دهنده رانت اقتصادی نباشد، اما منعکس کننده هزینه‌های تولید حسابرسی غیرقابل مشاهده یا تلاش حسابرسی است. در مجموع می‌توان گفت چنانچه سرمایه‌گذاران به این موضوع پی ببرند که حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی در نتیجه وابستگی اقتصادی حسابرسان به صاحبکاران می‌باشد، استقلال حسابرس از میان می‌رود و کیفیت گزارشگری مالی شرکت کاهش می‌یابد و این باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران به اطلاعات شرکت پایبند نباشند (بهرنند و همکاران^۵، ۲۰۲۰). به‌طور خاص ماتوزا و همکاران^۶ (۲۰۲۰)، نشان دادند شرکت‌هایی که با مشکلات مالی جدی مواجه هستند، بیشتر از شرکت‌های سالم به مدیریت سود می‌پردازند تا عملکرد ضعیف را پنهان کنند. در این زمینه‌ها، مؤسسات حسابرسی ممکن است آزمون‌های اساسی را افزایش دهند که باید ارقام تعهدی اختیاری را محدود کند و همچنین حق بیمه‌های ریسک را دریافت کند که هر دو منجر به افزایش حق الزحمه حسابرسی می‌شود. بنابر تحقیق آنها شرکت‌های ورشکسته قبلی تمایل زیادی به اتخاذ مدیریت سود صعودی دارند. در این زمینه حسابرسان به جای گسترش تلاش‌های حسابرسی برای محدود کردن دستکاری سود، به‌ویژه در سال اول فعالیت خود، در درجه اول نگران دریافت حق بیمه ریسک هستند. در مقابل، حق الزحمه حسابرسی بالاتری که توسط حسابرسان جدید منصوب شده از شرکت‌های سالم دریافت می‌شود، منجر به تلاش‌های حسابرسی مؤثر می‌شود. براین اساس فرضیه اول به شرح زیر ارائه می‌شود:

فرضیه اول: بین حق الزحمه غیرعادی حسابرس و ریسک ورشکستگی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

تأثیر تمرکز مالکیت بر رابطه حق الزحمه غیرعادی حسابرس و ریسک ورشکستگی

تمرکز مالکیت به حالتی اطلاق می‌شود که میزان درخور ملاحظه‌ای از سهام شرکت به سهامداران عمده تعلق داشته باشد و نشان می‌دهد چند درصد سهام شرکت در دست عده محدودی قرار دارد (اعتمادی و همکاران ۱۳۸۸). در ارتباط با تأثیر

¹ Zhou

² Asthana and Boone

³ Blankley

⁴ Eshleman and Guo

⁵ Behrend

⁶ Matozza et al

سهامداران بزرگ دو فرضیه وجود دارد. فرضیه اول بیان می‌کند سهامداران بزرگ دارای قدرت و نفوذ زیادی بر مدیریت هستند. در نتیجه برای جلب نظر سهامداران مجبور هستند تمامی تصمیم‌های شرکت را در راستای اهداف سهامداران بزرگ و جلب نظر آنها اتخاذ کنند. در نتیجه سبب ضایع شدن حقوق دیگر سهامداران و افزایش ریسک می‌شود. نظریه دوم بیان می‌کند اگر شرکت فاقد سهامدار بزرگ باشد با توجه به اینکه هزینه نظارت بر مدیریت شرکت زیاد است در نتیجه سهامداران کوچک به سهم کم نمی‌تواند از عهده این هزینه‌ها برآیند و با کاهش کنترل مدیریت ریسک سهامداران افزایش می‌یابد (سجادی و همکاران، ۱۳۹۰). افزایش تمرکز مالکیت سهامداران بزرگ، انگیز کافی برای نظارت بر مدیران فراهم می‌کند. بر اساس این دیدگاه، دارندگان سهام بیشتر بانگیزه‌ی بیشتری هزینه‌های جمع‌آوری اطلاعات و دخالت در نظارت مدیریت را تحمل می‌کنند. در مقابل، مالکیت‌های پراکنده برای نظارت بر مدیریت انگیزه‌ی کمتری دارند. در وضعیت‌هایی که سهامداران منافع کمتری از شرکت به دست می‌آورند، انگیزه‌ای برای نظارت بر مدیران ندارند یا انگیزه‌ی کمی دارند؛ زیرا هزینه‌های نظارت بر منافع ناشی از آن فزونی می‌یابد (آگهی اسکویی و ملکی، ۱۳۹۷)؛ بنابراین می‌توان گفت ساختار مالکیت شرکت‌ها، می‌تواند با تأثیرگذاری بر هزینه‌های نمایندگی و تضاد منافع، کیفیت صورت‌های مالی و صحت گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار دهد. در این حالت ساختار مالکیت می‌تواند در احتمال پیش‌بینی ورشکستگی مؤثر باشد؛ به‌عنوان مثال نتایج تحقیقات کیم (۲۰۱۹) نشان داد تمرکز مالکیت و کیفیت نهادی ریسک ورشکستگی را کاهش می‌دهد. این نتیجه نشان می‌دهد که تمرکز مالکیت به‌عنوان یک مکانیسم حاکمیت شرکتی می‌تواند نقش جایگزینی برای کیفیت حاکمیت ضعیف داشته باشد و چنین نقشی در کشورهای با کیفیت نهادی ضعیف‌تر قابل توجه‌تر است. بر این اساس فرضیه دوم به شرح زیر ارائه می‌شود:

فرضیه دوم: تمرکز مالکیت بر رابطه حق‌الزحمه غیرعادی حسابرس و ریسک ورشکستگی تأثیرگذار است.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر آرشیوی و پس رویدادی است؛ بدین معنی که داده‌های موردنیاز از پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف، همانند گزارش‌های سالانه شرکت‌ها و گزارش‌های بورس اوراق بهادار تهران گردآوری شده است. برای آزمون فرضیه‌ها از تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره داده‌های ترکیبی (ترکیب داده‌های سری زمانی و مقطع زمانی) استفاده شده است. نمونه پژوهش نیز به روش حذفی از میان آن دسته از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شد که شرایط زیر را داشته باشند:

- (۱) با توجه به نیاز به داده‌های دو سال قبل‌تر برای محاسبه برخی از متغیرها لازم است شرکت‌ها تا قبل از سال ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته‌شده باشند و تا پایان سال ۱۳۹۹ در بورس فعال باشند.
- (۲) به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه شرکت سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند باشد و طی بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۹ شرکت سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
- (۳) به لحاظ ساختار گزارشگری جداگانه‌ای که شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی (لیزینگ‌ها و بیمه‌ها و هلدینگ‌ها و بانک‌ها و مؤسسات مالی) دارند از نمونه حذف می‌شوند.
- (۴) اطلاعات مالی آنها در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۹ در دسترس باشد.

متغیرها و مدل تحقیق

متغیر وابسته

متغیر وابسته در این تحقیق ریسک ورشکستگی (BANKRUPTCY) می‌باشد.

برای اندازه گیری ریسک ورشکستگی از شاخص آلتمن استفاده می شود.

در مدل آلتمن برای پیش بینی وقوع ورشکستگی، از روش تجزیه و تحلیل نسبت ها استفاده شده است. این مدل که از پنج نسبت مالی سرمایه در گردش به کل دارایی (X_1)، سود انباشته به کل دارایی (X_2)، درآمد قبل از بهره و مالیات به کل دارایی (X_3)، ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری بدهی (X_4)، فروش به کل دارایی (X_5) تشکیل شده به صورت زیر است:

$$Z = 1.2 x_1 + 1.4 x_2 + 3.3 x_3 + 0.6 x_4 + 0.99 x_5$$

در فرمول بالا اگر $Z < 1.2$ ورشکستگی کامل خواهد بود.

اگر $1.2 < Z < 2.9$ حالت مابین ورشکستگی و عدم ورشکستگی،

اگر $Z > 2.9$ حالت سلامت.

متغیر مستقل

متغیر مستقل در این تحقیق حق الزحمه غیرعادی حسابرس (ABFEE) می باشد.

از نظر مفهومی حق الزحمه های واقعی به دو جزء حق الزحمه های استاندارد و حق الزحمه های غیرعادی تقسیم می شود. در واقع حق الزحمه های غیرعادی حسابرسی برابر است با:

$$ABFEE = AAFEE - AFEE$$

ABFEE = حق الزحمه غیرعادی حسابرس.

AAFEE = حق الزحمه واقعی حسابرس.

AFEE = حق الزحمه استاندارد.

اندازه گیری حق الزحمه استاندارد

بر پایه مطالعات سایمونیک^۱ (۱۹۸۰) مدل حق الزحمه استاندارد حسابرسی به متغیرهای احتمال وقوع زیان و ورشکستگی آن بستگی دارد. در این پژوهش، احتمال وقوع زیان شرکت صاحبکار از طریق اندازه شرکت (جمع کل دارایی های شرکت، TA) و ورشکستگی صاحبکار از طریق آزمون Z اندازه گیری می شوند. همچنین بر پایه مطالعات پیشین؛ فرانکل و اسباگ و فرانسس و پالمروس متغیر مجازی "اگر سال مالی شرکت صاحبکار منتهی به پایان سال نباشد" جهت کنترل فصل های غیرکاری در حسابرسی و نیز نسبت دارایی های جاری و نسبت دارایی های آنی و اهرم مالی شرکت صاحبکار جهت کنترل ریسک شرکت به کار گرفته می شود. مدل مورد استفاده در این پژوهش برگرفته شده از مدل سایمونیک (۱۹۸۰) است که به صورت ذیل تعریف می گردد:

$$LAFEE = \beta_0 + \beta_1 LTA + \beta_2 CATA + \beta_3 QUIK + \beta_4 DE + \beta_5 BANKRUPTCY + \beta_6 YE + \beta_7 LOSS$$

که در این مدل:

LAFEE = لگاریتم طبیعی حق الزحمه استاندارد.

LTA = لگاریتم طبیعی جمع کل دارایی ها شرکت صاحبکار.

CATA = نسبت دارایی های جاری به کل دارایی های شرکت صاحبکار.

QUIK = نسبت دارایی های آنی (دارایی های جاری منهای سرمایه گذاری ها) به کل دارایی های شرکت صاحبکار.

DE = نسبت بدهی های بلندمدت به کل دارایی های شرکت صاحبکار.

¹ Simunic

BANKRUPTCY = نسبت سود (قبل از ارقام غیرمترقبه) به کل دارایی‌های شرکت صاحبکار.
YE = متغیر مجازی ۱، اگر سال مالی پایان سال نباشد.
LOSS = متغیر مجازی ۱، اگر سال مالی جاری شرکت زیانده باشد (منصوری و تنانی، ۱۳۹۲).

متغیر تعدیلگر تمرکز مالکیت: (TOP) است؛ که برابر است با مجموع سهام اشخاص حقیقی و یا حقوقی که بیش از ده درصد سهام شرکت را در اختیار دارند.

همچنین تأثیر متغیرهای کنترلی زیر نیز بر این رابطه بررسی شده است:

تغییر حسابرسی (Audit change): در این پژوهش، تغییر حسابرس یک متغیر موهومی است، به این صورت که اگر در یک سال، مؤسسه حسابرسی که پیش‌ازین کار حسابرسی شرکت موردنظر را انجام می‌داده است تغییر کرده باشد عدد ۱، در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود.

رشد شرکت (GROWTH): کل دارایی‌ها در سال t تقسیم‌بر کل دارایی‌ها در زمان سال قبل (t-1).

استقلال هیئت‌مدیره (INDEP): نسبت مدیران غیرموظف نسبت به اعضای کل هیئت‌مدیره.

سودآوری شرکت (PROFITABILITY): سود عملیاتی تقسیم‌بر میانگین کل دارایی‌ها در هر سال مالی.

اهرم مالی (LEV): کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها.

اندازه شرکت (SIZE): لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت در پایان سال؛

دارایی‌های مشهود (TANGIBILITY): نسبت خالص ارزش دفتری دارایی‌های ثابت مشهود به ارزش دفتری کل دارایی‌ها.

نوسان پذیری سود (VOLATILITY): عبارت از انحراف معیار سود عملیاتی تقسیم‌بر میانگین کل دارایی‌ها؛

مدل آماری فرضیه اول:

$$\text{BANKRUPTCY}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{ABFEE}_{i,t} + \beta_2 \text{Audit change}_{i,t} + \beta_3 \text{GROWTH}_{i,t} + \beta_4 \text{INDEP}_{i,t} + \beta_5 \text{PROFITABILITY}_{i,t} + \beta_6 \text{LEV}_{i,t} + \beta_7 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_8 \text{TANGIBILITY}_{i,t} + \beta_9 \text{VOLATILITY}_{i,t} + \varepsilon_{it}$$

مدل آماری فرضیه دوم:

$$\text{BANKRUPTCY}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{ABFEE}_{i,t} + \beta_2 \text{TOP}_{i,t} + \beta_3 (\text{TOP}_{i,t} * \text{ABFEE}_{i,t}) + \beta_4 \text{Audit change}_{i,t} + \beta_5 \text{GROWTH}_{i,t} + \beta_6 \text{INDEP}_{i,t} + \beta_7 \text{PROFITABILITY}_{i,t} + \beta_8 \text{LEV}_{i,t} + \beta_9 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_{10} \text{TANGIBILITY}_{i,t} + \beta_{11} \text{VOLATILITY}_{i,t} + \varepsilon_{it}$$

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی پژوهش که شمای کلی از وضعیت توزیع داده‌ها را نشان می‌دهد، در جدول زیر نشان داده شده است

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرها

شاخص‌های پراکندگی				شاخص‌های مرکزی		نام و تعداد متغیرها	
بیشینه	کمینه	انحراف	کشیدگی	چولگی	میانگین	میانگین	علامت اختصاری

		معیار						
۱۲,۷۱	-۳,۷۳	۱,۶۶	۵,۶۶	۰,۹۴۸	۲,۴۴	۲,۶۷	BANKRUPTCY	ریسک ورشکستگی
۶,۲۵	-۷,۹۷	۱,۴۷	۹,۶۱	-۰,۶۰	۰,۰۳	۰,۰۰۰۳	ABFEE	حق الزحمه غیرعادی حسابرس
۹۹,۵۹	۶۹,۹۵	۲۲,۴۶	۳,۵۶	-۱,۰۴	۶۹,۹۵	۶۵,۹۸	TOP	تمرکز مالکیت
۱	۰	۰,۴۳	۲,۲۷	۱,۱۲	۰	۰,۲۵	Audit change	تغییر حسابرس
۴,۳۱	-۰,۴۲	۰,۴۱	۲۵,۰۸	۳,۵۶	۰,۱۸	۰,۲۸	GROWTH	رشد شرکت
۱	۰	۰,۱۸	۳,۰۸	-۰,۲۸	۰,۶۰	۰,۶۶	INDEP	استقلال هیئت مدیره
۰,۸۸	-۰,۵۹	۰,۱۷	۴,۰۷	۰,۶۵	۰,۱۴	۰,۱۷	PROFITABILITY	سودآوری شرکت
۱,۸۲	۰,۰۳	۰,۲۱	۴,۱۶	۰,۳۱	۰,۵۶	۰,۵۶	LEV	اهرم مالی
۲۰,۷۶	۱۰,۵۳	۱,۵۵	۴,۳۸	۰,۹۴	۱۴,۲۹	۱۴,۵۴	SIZE	اندازه شرکت
۰,۹۳	۰,۰۰۶	۰,۱۷	۳,۴۲	۰,۹۴	۰,۲۱	۰,۲۵	TANGIBILITY	دارایی‌های مشهود
۰,۳۶۹	۰,۰۰۰	۰,۰۵	۶,۱۸	۱,۵۷	۰,۰۵	۰,۰۷	VOLATILITY	نوسان پذیری سود

آزمون فرضیه اول تحقیق انتخاب مدل

در انتخاب مدل داده‌های ترکیبی با دو حالت کلی روبرو هستیم. در حالت اول عرض از مبدأ برای کلیه شرکت‌ها یکسان است که در این صورت با روش پول و در حالت دوم عرض از مبدأ برای تمام شرکت‌ها متفاوت است که در این حالت روش پانل انتخاب می‌شود. برای شناسایی دو حالت مذکور از آزمون اف-لیمر استفاده می‌کنیم.

جدول (۲): آزمون چاو یا لیمر و آزمون هاسمن فرضیه اول

P-Value	مقدار آماره آزمون	آماره آزمون
۰/۰۰۰	۱۰,۳۵	آزمون F لیمر
۰/۰۱۳۷	۲۰,۷۶	آزمون هاسمن

با توجه به جدول ۲ مقدار احتمال آماره F و آماره کای - دو برای مدل کمتر از ۰/۰۵ هست؛ بنابراین فرض صفر یعنی برابری عرض از مبدأها رد می‌شود، بنابراین استفاده از روش پانل ارجحیت دارد. لذا لازم است برای انتخاب الگوی اثرات ثابت یا اثرات تصادفی آزمون هاسمن انجام شود. نتایج آزمون هاسمن نیز نشان می‌دهد که روش مورد استفاده پانل با اثرات ثابت هست.

جدول (۳): نتایج برآورد فرضیه اول تحقیق

مقدار احتمال	t مقدار	مقدار ضرایب	متغیر
۰,۳۸۸	۰,۸۲۶	۰,۰۰۹	ABFEE
۰,۴۶۴	-۰,۷۳۱	-۰,۰۲۷	Audit change
۰,۰۷۳	-۱,۷۹	-۰,۰۹۲	GROWTH
۰,۰۰۰	-۳,۸۳	-۰,۴۴	INDEP
۰,۰۰۰	۲۱,۳۹	۳,۹۷	PROFITABILITY
۰,۰۰۰	-۲۸,۸۰	-۴,۵۲	LEV
۰,۱۹۵	۱,۲۹	۰,۰۴	SIZE
۰,۰۰۰	-۱۲,۶۰	-۲,۲۵	TANGIBILITY

۰,۰۰۵	۲,۷۸	۱,۰۸	VOLATILITY
۰,۰۰۰	۹,۱۸	۴,۷۳	C (مقدار ثابت)
۰/۰۰۰	F مقدار احتمال	۶۰,۶۲	F مقدار
۱,۶۶	دوربین واتسون	۰,۸۸۹۸	ضریب تعیین (R ²)
		۰,۸۷۵۱	ضریب تعیین تعدیل شده

در بررسی معنی دار بودن کلی مدل، با توجه به این که مقدار احتمال (P-VALUE) آماره F از ۰/۰۵ کوچک تر می باشد (۰/۰۰۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن کلی مدل تأیید می شود؛ بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۳، سطح معنی داری آماره t مربوط به متغیر حق الزحمه غیرعادی بزرگتر از ۰/۰۵ بوده (۰/۳۸۸) یعنی بی معنی است، ضریب آن (۰/۰۰۹) مثبت می باشد و مقدار آماره t برای آن برابر با ۰/۸۲۶ می باشد این مقدار آماره t در ناحیه رد فرض صفر قرار نمی گیرد؛ با توجه به اینکه شاخص آلتمن معیاری معکوس از ریسک ورشکستگی است؛ می توان گفت، افزایش حق الزحمه غیرعادی، منجر به کاهش ریسک ورشکستگی می شود؛ اما با توجه به این که سطح معنی داری بدست آمده بالاتر از (۰,۰۵) است، می توان گفت بین حق الزحمه غیرعادی حسابرس و ریسک ورشکستگی، رابطه ای معکوس وجود دارد؛ اما این رابطه معنی دار نیست، در نتیجه فرضیه اول تحقیق رد می شود.

آزمون فرضیه اول تحقیق انتخاب مدل

در انتخاب مدل داده های ترکیبی با دو حالت کلی روبرو هستیم. در حالت اول عرض از مبدأ برای کلیه شرکت ها یکسان است که در این صورت با روش پول و در حالت دوم عرض از مبدأ برای تمام شرکت ها متفاوت است که در این حالت روش پانل انتخاب می شود. برای شناسایی دو حالت مذکور از آزمون اف-لیمر استفاده می کنیم.

جدول (۴): آزمون چاو یا لیمر و آزمون هاسمن فرضیه دوم

P-Value	مقدار آماره آزمون	آماره آزمون
۰/۰۰۰	۹,۹۸	آزمون F لیمر
۰/۰۰۰	۳۲,۱۲	آزمون هاسمن

با توجه به جدول ۲ مقدار احتمال آماره F و آماره کای - دو برای مدل کمتر از ۰/۰۵ هست؛ بنابراین فرض صفر یعنی برابری عرض از مبدأ رد می شود، بنابراین استفاده از روش پانل ارجحیت دارد. لذا لازم است برای انتخاب الگوی اثرات ثابت یا اثرات تصادفی آزمون هاسمن انجام شود. نتایج آزمون هاسمن نیز نشان می دهد که روش مورد استفاده پانل با اثرات ثابت هست.

جدول (۵): نتایج برآورد فرضیه دوم تحقیق

متغیر	مقدار ضرایب	t مقدار	مقدار احتمال
ABFEE	۰,۰۶	۲,۱۸	۰,۰۲۷
TOP	۰,۰۰۱	۱,۹۵	۰,۰۵۱
ABFEE*TOP	۰,۰۰۱	۲,۳۳	۰,۰۱۹
Audit change	-۰,۰۲۷	-۰,۷۳۵	۰,۴۶۲
GROWTH	-۰,۰۶۶	-۱,۰۰	۰,۳۱۴
INDEP	-۰,۴۱۳	-۳,۰۴	۰,۰۰۲
PROFITABILITY	۳,۹۶	۱۷,۳۵	۰,۰۰۰

۰,۰۰۰		-۲۴,۸۰	-۴,۴۷	LEV
۰,۹۴۵		۰,۰۶۷	۰,۰۰۲	SIZE
۰,۰۰۰		-۱۱,۲۹	-۲,۰۰۱	TANGIBILITY
۰,۰۰۱		۳,۱۰	۱,۳۸	VOLATILITY
۰,۰۰۰		۱۰,۸۱	۵,۰۸	C (مقدار ثابت)
۰/۰۰۰	F مقدار احتمال	۳۶۰,۵۱		F مقدار
۱,۵۹	دوربین واتسون	۰,۷۴۸۴		ضریب تعیین (R^2)
		۰,۷۴۶۳		ضریب تعیین تعدیل شده

در بررسی معنی دار بودن کلی مدل، با توجه به این که مقدار احتمال (P-VALUE) آماره F از ۰/۰۵ کوچک تر می باشد (۰/۰۰۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن کلی مدل تأیید می شود؛ بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۴، سطح معنی داری آماره t مربوط به متغیر ABFEE*TOP کوچکتر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۱۹) یعنی بی معنی است، ضریب آن (۰/۰۰۱) مثبت می باشد و مقدار آماره t برای آن برابر با ۲/۳۳ می باشد این مقدار آماره t در ناحیه رد فرض صفر قرار می گیرد؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت که تمرکز مالکیت بر رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرس و ریسک ورشکستگی، تأثیرگذار است و موجب تقویت این رابطه معکوس می شود، در نتیجه فرضیه دوم تحقیق تأیید می شود.

نتیجه گیری و پیشنهادات

رابطه حق الزحمه غیرعادی حسابرس با ریسک ورشکستگی به دلیل، تأثیرپذیری کیفیت حسابرسی از حق الزحمه غیرعادی است. در این تحقیق بر اساس اطلاعات ۱۵۰ شرکت بازار سرمایه تهران در دوره‌ی زمانی ۹ ساله بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ به بررسی تأثیر تمرکز مالکیت بر رابطه حق الزحمه غیرعادی حسابرس و ریسک ورشکستگی پرداخته شد. به طور کلی نتایج به خصوص در بخش آمار توصیفی نشان داد که عمده شرکت‌های مورد مطالعه در بازار سرمایه ایران در حالت مابین ورشکستگی و عدم ورشکستگی قرار دارند. نتایج فرضیه اول نشان داد بین حق الزحمه غیرعادی حسابرس و ریسک ورشکستگی، رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛ اما این رابطه معنی دار نیست. این نتیجه نشان می دهد که حق الزحمه غیرعادی تاندازه‌ای ممکن است نشان دهنده رانت اقتصادی نباشد، و امکان دارد منعکس کننده هزینه‌های تولید حسابرسی غیرقابل مشاهده یا تلاش حسابرسی باشد که منجر به احتمال کاهش ریسک ورشکستگی در شرکت‌ها شده است. همچنین نتیجه درگیر فرضیه تحقیق نشان داد تمرکز مالکیت بر رابطه بین حق الزحمه غیرعادی حسابرس و ریسک ورشکستگی، تأثیرگذار است و موجب تقویت این رابطه معکوس می شود. بر این اساس می توان گفت، افزایش تمرکز توانسته است منجر به کاهش هزینه‌های نمایندگی شود و تاندازه‌ای با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، احتمالاً کیفیت گزارشگری مالی را بهبود بخشیده است و در نتیجه در شرکت‌هایی که در آنها مجموع سهام اشخاص حقیقی و یا حقوقی بیش از ده درصد سهام شرکت است؛ پرداخت حق الزحمه بالاتر، نشانه‌ای از کاهش ریسک ورشکستگی شرکت است. این نتایج تاندازه‌ای مطابق با یافته‌های کیم و همکاران (۲۰۱۹) می باشد.

با توجه به این یافته‌های پیشنهاد می شود، که معیار حق الزحمه غیرعادی، با احتیاط از سوی تحلیلگران به عنوان شاخصی برای پیش بینی ریسک ورشکستگی مورد استفاده قرار گیرد؛ چراکه صرف افزایش حق الزحمه نمی تواند بیانگر احتمال پایین آمدن ریسک ورشکستگی باشد. همچنین پیشنهاد می شود که ساختار مالکیت شرکت‌ها و به خصوص تمرکز مالکیت در این شرکت‌ها مورد توجه قرار گیرد؛ چراکه افزایش تمرکز مالکیت می تواند، منجر به کاهش ریسک ورشکستگی شود. در نهایت پیشنهاد می شود که محققان آتی به بررسی اثرات دیگر انواع ساختار مالکیت مانند مالکیت دولتی، خانوادگی و نهادی بر رابطه بین حق الزحمه غیرعادی و ریسک ورشکستگی بپردازند.

منابع

- ✓ آگهی اسکوئی، افشین، ملکی، محمدحسن، (۱۳۹۷)، بررسی رابطه‌ی حاکمیت شرکتی و ارزش افزوده‌ی اقتصادی در شرکت‌های تولیدی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله مدیریت دارایی و تأمین مالی، سال ۲، شماره ۴، صص ۷۵-۹۶.
- ✓ اعتمادی، حسین، باباجانی، جعفر، آذر، عادل، (۱۳۸۸)، تأثیر فرهنگ‌سازمانی، تمرکز مالکیت و ساختار مالکیت بر کیفیت اطلاعات مالی، فصلنامه علوم مدیریت، سال ۴، شماره ۱۵، صص ۵۹-۸۵.
- ✓ ایمنی، محسن، دریایی، عباسعلی، (۱۴۰۰)، حق الزحمه حسابرسی: شواهدی بیشتر از نقش اهرم‌های بدهی عملیاتی و مالی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۷، شماره ۴، صص ۴۹۵-۵۲۲.
- ✓ برگ بید، احمد، جعفری، علی، صالح نژاد، سیدحسن، (۱۴۰۰)، ارائه الگوی ترکیبی سه بعدی (مالی، اقتصادی، پایداری) در پیش‌بینی درماندگی مالی شرکت‌ها، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۵۱، صص ۱۰۵-۱۳۲.
- ✓ چابک، محمد، مشکی میاوقی، مهدی، (۱۴۰۰)، در تحقیقی با عنوان بررسی اثر مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت و ساختار سرمایه بر روی ریسک ورشکستگی، پنجمین کنفرانس ملی اقتصاد، مدیریت و حسابداری.
- ✓ ذوالفقاری، هادی، (۱۳۹۸)، تأثیر حق الزحمه غیرعادی حسابرسی بر کیفیت افشا گزارشگری مالی و ارزش شرکت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ✓ رضایی، فرزین، ویسی حصار، ثریا، قندچی، فرشید، (۱۳۹۸)، رابطه بین حق الزحمه حسابرسی با فرصت‌های رشد و بازده غیرعادی شرکت‌ها، دانش حسابرسی، سال ۱۹، شماره ۷۶، صص ۸۷-۱۲۶.
- ✓ سجادی، حسین، فرازمنده، حسن، نیک کار، جواد، (۱۳۹۲)، تأثیر ساختار مالکیت بر ریسک سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۵، شماره ۲۰، صص ۲۹-۵۶.
- ✓ عطایی شریف، عباس، لشکری، زهرا، خسروی پور، نگار، (۱۴۰۰)، اثر تعاملی توانایی مدیریت و درماندگی مالی بر حق الزحمه حسابرسی در چارچوب نظریه نمایندگی (شواهد تجربی: بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال ۱۰، شماره ۳۹، صص ۲۹-۴۲).
- ✓ فخاری، حسین، قربانی، هادی، رجب بیکی، محمدعلی، (۱۳۹۷)، پایداری و جهش در حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی، پیشرفت‌های حسابداری، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۲۲۱-۲۵۰.
- ✓ منصوری سرنجیان، میکائیل، تنانی، محسن، (۱۳۹۲)، بررسی عکس‌العمل بازار سهام نسبت به حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرس، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ۵، شماره ۴، صص ۱۰۵-۱۲۰.
- ✓ واعظ، علی، تیموری، مرتضی، (۱۳۹۳)، بررسی ارتباط بین حق الزحمه غیرعادی حسابرسی و خطای برآورد اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری، دوره اول، شماره ۳، صص ۹۵-۱۱۱.
- ✓ هاشمی، سید جمال، حیدرپور، فرزانه، (۱۴۰۰)، تأثیر مسئولیت اجتماعی شرکت بر ریسک ورشکستگی، مطالعات حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۷، صص ۲۵-۴۰.
- ✓ Al-Janadi, Yaseen. (2021). Ownership Structure and Firm Performance in the Middle East: A Meta-Analysis. *Journal of Risk and Financial Management* 14: 577. <https://doi.org/10.3390/jrfm14120577>.
- ✓ Alrashidi, Rasheed., Diogenis Baboukardos, Thankom Arun (2021) Audit fees, non-audit fees and access to finance: Evidence from India, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation* 43 (2021) 100397.

- ✓ Altman, Edward, Malgorzata Iwanicz-Drozdowska, Erkki Laitinen, and Arto Suvas. (2017). Financial Distress Prediction in an International Context: A Review and Empirical Analysis of Altman's Z-Score Model. *Journal of International Financial Management & Accounting* 28: 131-71.
- ✓ Asthana, S.C. and J.P. Boone. (2012). Abnormal Audit Fee and Audit Quality. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 31(3): 1-22.
- ✓ Bărbuță-Misu., Mara Madaleno (2020) Assessment of Bankruptcy Risk of Large Companies: European Countries Evolution Analysis, *isk Financial Manag.* 2020, 13, 58; doi:10.3390/jrfm13030058.
- ✓ Behrend, Matt, Khan, Sarfraz, Ko, Youngwoo, and Park, Sung-Jin.(2020) "Abnormal Audit Fees and Audit Quality: Evidence from the Korean Audit Market." *Journal of International Accounting Research* 19:3 October (4th Quarter/Autumn) (2020).
- ✓ Blankley, A.I, D.N. Hurtt, and J.E. MacGregor. (2012). Abnormal Audit Fees and Restatement. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 31(1): 79-96.
- ✓ Chen, H., Hua, S., Liu, Z. and Zhang, M. (2019), "Audit fees, perceived audit risk, and the financial crisis of 2008", *Asian Review of Accounting*, Vol. 27 No. 1, pp. 97-111. [https://doi.org/10.1108/ARA-01-\(2017\)-0007](https://doi.org/10.1108/ARA-01-(2017)-0007).
- ✓ DeFond, M. & Zhang, J. (2014). A review of archival auditing research. *Journal of Accounting and Economics*, 58(1), 275-326.
- ✓ Eshleman, J.D. and P. Guo. (2014). Abnormal Audit Fees and Audit Quality: The Importance of Considering Managerial Incentives in Tests of Earnings Management. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 33(1): 117-138.
- ✓ Kim, J (2019) Ownership Concentration and Institutional Quality: Do They Affect Corporate Bankruptcy Risk? <https://doi.org/10.1111/ajfs.12271>.
- ✓ Kinney, W.R. and R. Libby. 2002. Discussion of The Relation between Auditors' Fees for Nonaudit Services and Earnings Management. *The Accounting Review*, 77(Supp.): 107-114
- ✓ Matozza, Felice., Anna Maria Biscotti., Eugenio D'Amico., Alberto Dello Strologo (2020) Abnormal Audit Fees and Audit Quality, The Impact of Business Context on Auditors' Priorities, *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, 2020 Vol: 24 Issue: 3.
- ✓ Monye-Emina, Henry Emife., Edirin Jeroh (2022) DETERMINANTS OF ABNORMAL AUDIT FEES IN INTERNATIONAL FINANCIAL REPORTING STANDARDS-BASED FINANCIAL STATEMENTS, *Economic Horizons*, January - April 2022, Volume 24, Number 1, 69 – 86.
- ✓ Ye, X. (2020). Literature Review on Influencing Factors of Audit Fees. *Modern Economy*, 11, 249-260. <https://doi.org/10.4236/me.2020.112022>.
- ✓ Zhao, Wanchen (2021) Research on the Relationship between Abnormal Audit Fees of Listed Companies and the Risk of Stock Price Crash, *E3S Web of Conferences* 235, 03022 (2021) <https://doi.org/10.1051/e3sconf/202123503022> NETID (2020).
- ✓ Zhou, Xiaohui., Pengzheng Lou , Yongmin Wu , and Lijuan Zhang (2022) Earnings Persistence and Abnormal Audit Fees, *Discrete Dynamics in Nature and Society* Volume (2022), Article ID 2659939, 12 pages <https://doi.org/10.1155/2022/2659939>.